

فصل اول: بخشنامه‌ها

مبحث اول: بخشنامه در خصوص نحوه احضار اشخاص حقوقی^۱

تاریخ تصویب: ۱۶/۰۶/۱۳۹۸

تاریخ ابلاغ: ۲۱/۰۶/۱۳۹۸

شماره: ۱۰۰/۷۷۵۲۹/۹۰۰۰

^۱ این مقرر را می‌توان از نوآوری‌های قانونگذاری دانست. چه اینکه وضع آیین دادرسی برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی مسبق به سابقه نبوده است. اما در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مطابق قانون مجازات اسلامی باید بیان داشت مطابق تبصره ماده ۱۴، چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود. مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ قانون مذکور در خصوص مجازات‌های قابل اعمال بر روی اشخاص حقوقی چنین بیان می‌دارند:

مطابق ماده ۲۰، در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه بهطور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت میکنند، اعمال نمی‌شود.

همچنین ماده ۲۱ بیان می‌کند، میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.

اما مطابق ماده ۲۲، انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

اما مطابق ماده ۱۴۳ در خصوص شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بیان کرده، در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

فلذا مطابق ماده مذکور که برای اشخاص حقیقی نیز مسئولیت در نظر گرفته است و نیز ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری باید بیان داشت، در صورت توجه اتهام علیه شخص حقوقی، این شخص علاوه بر شخص حقیقی که اتهام متوجه اوست احضار می‌گردد.

نظر به اینکه در پاره‌ای از پرونده‌های مطروحه مرتبط با اشخاص حقوقی به ویژه مراکز اقتصادی و تولیدی نظیر پرونده‌های مربوط به حوادث حین انجام کار، احضار مدیر عامل ممکن است در روند تولید و فعالیت اقتصادی بنگاه مربوط اثرات منفی داشته باشد لذا با عنایت به تأکیدات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» مبنی بر ضرورت حمایت از رونق تولید و تقویت اقتصاد کشور، به دادسراها و محاکم دادگستری ابلاغ می‌گردد:

با عنایت به مفاد مواد ۶۸۸^۱ و ۶۸۹^۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی در مورد پرونده‌های مرتبط با اشخاص حقوقی،^۳ لازم است به جای احضار مدیر عامل با رعایت مقررات مربوط به احضار،^۴ به شخص حقوقی اخطار شود تا نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید و با حضور نماینده شخص حقوقی،^۵ تحقیقات مقدماتی برابر ضوابط صورت پذیرد و در ادامه چنانچه اتهام متوجه مدیر عامل باشد به گونه‌ای که اقدامات قضایی موجب اخلال در روند تولید و اشتغال نگردد، رسیدگی قضایی انجام شود.

^۱ مطابق ماده ۶۸۸، هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست.

تبصره - فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده دار شود.

^۲ مطابق ماده ۶۸۹، پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود.

^۳ شخص حقیقی که موجب توجه اتهام نسبت به شخص حقوقی شده است، خود متهم محسوب و شخص حقوقی نمی‌تواند وی را به عنوان نماینده خود به دادگاه معرفی کند.

^۴ چون خود شخص حقوقی توانایی حاضر شدن نزد مقام قضایی را ندارد، لذا به این شخص اخطار می‌شود که وکیل یا نماینده خود را به دادگاه معرفی کند. فلذا رعایت مواد ۱۶۸ الی ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص احضار برای اخطار به شخص حقوقی الزامی است.
^۵ در صورت عدم حضور نماینده قانونی یا وکیل شخص حقوقی، رسیدگی ادامه پیدا کرده و دادگاه حق ندارد وکیل یا نماینده را جلب کند، چه اینکه این افراد فقط وکیل یا نماینده هستند نه متهم. لذا این افراد تفهیم اتهام نمی‌شوند و صرفاً اتهام شخص حقوقی برای ایشان توضیح داده می‌شود و ایشان نیز برای انجام تحقیقات و یا دفاع از اتهام انتسابی حضور خواهند داشت.

مبحث دوم: بخشنامه ایجاد زیر ساخت‌های لازم جهت تبادل الکترونیکی کلیه مکاتبات بین مراجع قضایی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

تاریخ تصویب: ۰۳/۰۴/۱۳۹۸

تاریخ ابلاغ: ۰۵/۰۴/۱۳۹۸

شماره: ۱۰۰/۳۰۷۲۵/۹۰۰۰



در اجرای مواد ۶۵۱ و ۶۵۲^۲ و تبصره ۱ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۱ و با توجه به ایجاد زیر ساخت‌های لازم در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و مرکز آمار و فناوری

^۱ مطابق ماده ۶۵۱، کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری، و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره ۱- آیین نامه اجرائی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه توسط آن قوه تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیئت‌ها و کمیسیون‌های ذی ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

مصادیق گفته شده در خصوص دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه تمثیلی اند. فلذا دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا، و کارشناسان، دادستانی کل کشور، دیوان عالی کشور، وزارت دادگستری، مرکز شوراهای حل اختلاف، سازمان تعزیرات حکومتی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز از جمله دستگاه‌های تابعه می‌باشند.

^۲ مطابق ماده ۶۵۲، قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

مطابق تبصره اصلاحی قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰، مراجع قضایی می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در اینصورت دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستتکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است.

مطابق ماده مذکور از کتاب پنجم، چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انضال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. اما با توجه به حذف عبارت بخش خصوصی از تبصره الحاقی ماده ۶۵۲ باید بیان داشت اطلاق موجود ناظر به شرکت‌های خصوصی نیز می‌باشد و این عبارت به جهت خارج نمودن شرکت‌های خصوصی از دایره تکلیف مقرر صورت نگرفته بلکه به جهت رفع ابهام در خصوص شرکت‌های دولتی و تکلیف آنان به اجرای این مقرر صورت گرفته است. چه اینکه از مفهوم مخالف آن این طور استنباط می‌شود که صرفاً اشخاص حقوقی بخش خصوصی مکلف به رعایت آن هستند نه سایر اشخاص. فلذا باید بیان داشت شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی و دولتی می‌بایست پاسخ استعلامات قضایی و یا سایر اطلاعات مورد نیاز مراجع قضایی را از طریق شبکه ملی عدالت اعلام کنند. اما نکته در خصوص عدم اجرای این تکلیف توسط اشخاص حقوقی بخش خصوصی و چگونگی اعمال ماده ۵۷۶ به عنوان ضمانت اجرای مقرر است. که به نظر می‌رسد قابلیت اعمال در حق اشخاص اخیر را نداشته باشد. اما بنا به دلایلی باید بیان داشت اعمال ضمانت اجرای مقرر در حق این اشخاص نیز میسر است:

اول، نمی‌توان مواد مذکور را بدون توجه به فلسفه و دلیل وضع آن که همان حفظ نظم عمومی از طریق رسیدگی سریع و قاطع به جرم و کاهش اطاله دادرسی از طریق همکاری همه افراد و اشخاص و شرکت در فرایند اثبات جرم است، تفسیر کرد.

دوم، خارج نمودن اشخاص حقوقی بخش خصوصی از دایره شمول مواد مذکور با روح دادرسی کیفری و نیز اصول مسلم قواعد کیفری در تضاد می‌باشد. چه اینکه در برخورد با مساله جرم و مجازات به لحاظ ارتباط با نظم عمومی و نیز جنبه عمومی جرایم، همه افراد می‌بایست در اعاده

اطلاعات قوه قضائیه جهت تبادل الکترونیک کلیه مکاتبات بین مراجع قضایی و سازمان ثبت اسناد و املاک از جمله استعلامات مربوط به سوابق ثبتی و به منظور تسریع و تسهیل پاسخگویی به مراجعان و جلوگیری از سوء استفاده و جعل احتمالی مکاتبات، مراجع قضایی اعم از دادسراها و دادگاه‌ها و نیز ادارات ثبت از تاریخ ابلاغ بخشنامه کلیه استعلامات، مکاتبات و پاسخ‌ها را به نحو الکترونیک و از طریق شبکه ملی عدالت^۲ انجام داده و از مکاتبه به صورت کاغذی خودداری نمایند.^۳

نظم بر هم خورده به جامعه همکاری داشته باشند. گاهی این شکل همکاری ممکن است در قالب شهادت شهود باشد گاهی هم مطلع. از همین روی است که مقنن در ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری امکان جلب شهود و مطلع را پیش بینی کرده است. پس در خصوص برخورد با جرم و مجازات باید بیان داشت همه افراد مکلف به پاسخگویی در برابر دستور مقام قضایی می‌باشند. سوم، در هر حال مسئولیت اشخاص حقوقی بخش خصوصی در خصوص ارائه پاسخ به مراجع قضایی امری است مسلم و غیر قابل خدشه. حال سوال ضمانت اجرای عدم انجام ایت تکلیف قانونی است که با توجه به آنچه گفته شد در صورتی که موضوع مشمول ماده ۵۷۶ نباشد، می‌بایست مطابق سایر مقررات بنا بر ضرورت‌های گفته شده برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفت.

^۱ مطابق تبصره ۱ ماده ۶۵۵، در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه ایجاد نماید. لکن مطابق مفهوم مخالف تبصره مذکور باید بیان داشت، اگر به لحاظ محتوا یا سایر موارد غیر از شکل اسناد و مدارک الکترونیکی، مشکلی وجود داشته باشد، مقام قضایی می‌تواند آنرا نپذیرد.

^۲ هدف این شبکه، ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه‌ی قوه قضائیه و نیز سایر اشخاص حقوقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، می‌باشد.

^۳ ماده ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در خصوص تکلیف سازمان‌های دولتی و ... به ارائه‌ی اسناد و اطلاعات مرتبط با جرم چنین مقرر می‌دارد، مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادها و شرکت‌های وابسته به آنها، سازمان‌های نظامی و انتظامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان قرار دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رییس قوه قضائیه باشد.

متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

مبحث سوم: بخشنامه جرایم موضوع ماده ۱۷ الحاقی به قانون مبارزه با مواد

مخدر مصوب ۱۳۸۶

تاریخ صدور: ۲۸/۱۰/۱۳۹۸

تاریخ ابلاغ: ۳۰/۱۰/۱۳۹۸

شماره: ۱۷۸۴۵۸/۹۰۰۰/۱۰۰

بر اساس بررسی به عمل آمده برخی شعب از دادگاه‌های انقلاب اسلامی در صدور احکام محکومیت مرتکبین جرایم موضوع ماده ۱۷ الحاقی^۱ به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن، از تکلیف مقرر در این ماده مبنی بر ابطال موقت گذرنامه و ممنوع‌الخروج نمودن مشمولین آن غفلت می‌ورزند، با توجه به الزام مقرر قانونی مذکور، مقتضی است کلیه مراجع قضایی درخصوص محکومان جرایم ماده ۱۷ قانون مذکور که تبعه‌ی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند، نسبت به صدور حکم به ابطال موقت گذرنامه و ممنوع‌الخروج نمودن آنان اقدام نمایند.

روسای کل دادگستری استان‌ها مسئول حسن اجرای این بخشنامه بوده و مکلفند هر شش ماه یک بار آمار مربوط به آن را به دادستان کل کشور گزارش نمایند.^۲

^۱ مطابق ماده ۱۷ الحاقی مصوب ۱۳۸۹/۰۵/۰۹، چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور نمایند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع‌الخروج می‌شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع‌الخروج می‌شوند. صدور هرگونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرائم موضوع این قانون محکوم شده‌اند مشمول ممنوعیت موضوع این ماده می‌باشد.

^۲ مطابق ماده ۱۷ قانون مذکور الحاقی مصوب ۱۳۸۹/۰۵/۰۹، چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور نمایند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع‌الخروج می‌شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع‌الخروج می‌شوند. صدور هرگونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرائم موضوع این قانون محکوم شده‌اند مشمول ممنوعیت موضوع این ماده می‌باشد. اما در خصوص بخش نامه مذکور باید بیان داشت زمانی که قانون صراحتاً تکلیف به انجام امری نموده وظیفه‌ی مجری قانون اجرای شایسته و تمکین از آن و متجلی نمودن قانون در آرای قضایی است. لکن بواسطه‌ی عدم اجرای قانون که وظیفه و تکلیفی عام و همگانی است نمی‌توان متوسل به دستورالعمل یا بخش نامه گردید چه اینکه اولاً، بخش نامه از نظر سلسله مراتب منابع قانونی پایین تر از قانون قرار دارد. دوماً، اگر قرار باشد برای عدم اجرای هر مقرره‌ی قانونی یک بخش نامه یا دستورالعمل داشته باشیم نتیجه‌ی آن تراکم قوانین و کاستن از ارزش و اعتبار قانون است.

سوماً، قاضی همواره مکلف به اجرای قوانین و مقررات است. لکن عدم پای بندی و اجرای قانون ضمانت اجراهای متفاوتی در پی خواهد داشت.

مبحث چهارم: بخشنامه تفویض اختیار به دادگستری مبنی بر تعیین و یا اختصاص شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز و صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس

تاریخ تصویب: ۱۵/۰۷/۱۳۹۸

تاریخ ابلاغ: ۱۷/۰۷/۱۳۸۹

شماره: ۱۰۰/۹۸۵۵۴/۹۰۰۰

در اجرای بند الف ماده ۱۱ و تبصره ۱ ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۹۲/۱۰/۳ بدینوسیله به روسای محترم کل دادگستری استان‌ها تفویض اختیار می‌شود با بررسی وضعیت خاص استان و لحاظ صلاحیت و تجارب قضات نسبت به تعیین و یا اختصاص شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز و صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس اقدام نمایند. ضمناً در مقام رسیدگی و صدور حکم لازم است مفاد دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، مصوب ۹۸/۵/۳۱ مورد توجه قرار گیرد.

مبحث پنجم: بخشنامه استفاده از ظرفیت ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص کاهش جمعیت کیفری^۱

تاریخ تصویب: ۲۶/۰۶/۱۳۹۸

تاریخ ابلاغ: ۲۸/۰۶/۱۳۹۸

شماره: ۱۰۰/۸۳۱۱۷/۹۰۰۰

خطاب به روسای کل دادگستری استان‌ها

با عنایت به اعلام روسای کل دادگستری استان‌های سراسر کشور مبنی بر کثرت پرونده‌های وارده به دادگاه‌های تجدیدنظر استان و لزوم اتخاذ تدابیری جهت جلوگیری از ورود پرونده‌ها به مرجع فوق،

^۱ مبنا و فلسفه‌ی وضع این ماده و بخشنامه مذکور تشویق و ترغیب محکوم علیه به عدم اعتراض و تجدیدنظرخواهی یا استرداد آن به منظور تسریع در فرایند دادرسی کیفری است. لکن اعمال این ماده و اجرا بخشنامه منوط به حصول شرایطی است: اول، محکومیت از نوع تعزیر باشد. دوم، دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد. سوم، محکوم پیش از پایان مهلت اعتراض به دادگاه صادرکننده حکم مراجعه و حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست خود را مسترد کرده و تقاضای تخفیف کند.

از آنجا که استفاده از ظرفیت مقرر در ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ می‌تواند نسبت به کاهش جمعیت کیفری و کم کردن تقاضای تجدیدنظر نسبت به آراء صادره موثر باشد، لذا روسای کل دادگستری‌ها ترتیبی اتخاذ نمایند که به طریق مقتضی در سطح دادگستری‌ها، بخش‌ها، مجتمع‌های قضایی و زندان‌ها نسبت به اطلاع رسانی مفاد ماده ۴۴۲ قانون مذکور به اشخاصی که محکومیت تعزیری^۲ دارند اقدام مناسب معمول گردد.^۳

مبحث ششم: بخشنامه در خصوص اهمیت صلح و سازش و نقش آن در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی

تاریخ تصویب: ۲۸/۰۵/۱۳۹۸

تاریخ ابلاغ: ۳۱/۰۵/۱۳۹۸

شماره: ۱۰۰/۶۳۹۴۰/۹۰۰۰



با توجه به اهمیت صلح و سازش و نقش آن در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی و با توجه به تکلیف مقرر در ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۴ و ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی^۵ مبنی بر سعی و تلاش در جهت ایجاد صلح و سازش بین طرفین پرونده و با توجه به مفاد ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف^۶ و فراهم آوردن زمینه تحقق ماده ۸

^۱ مطابق ماده ۴۴۲، در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظر خواهی با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم، حق تجدیدنظر خواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

^۲ در جرایم تعزیری از هر درجه ای که باشد قابل اعمال است.

^۳ در صورت وجود شرایط دادگاه مکلف به اعمال تخفیف است ولی میزان آن به تشخیص دادگاه بستگی دارد. اما در هر حال نمی‌تواند بیشتر از یک چهارم باشد.

^۴ مطابق ماده ۱۹۲، تحقیق از شاکی و متهم غیر علنی و انفرادی است مگر در جرایم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی الامکان به صورت توافقی رسیدگی می‌شود و باز پرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید.

^۵ مطابق ماده ۱۸۸، بعد از حضور طرفین، دادگاه اظهارات آنان را استماع نموده تکلیف به سازش و سعی در انجام آن می‌نماید. در صورت عدم موفقیت به سازش تحقیقات و عدم موفقیت را در صورت مجلس نوشته به امضا طرفین می‌رساند. هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند.

^۶ مطابق این ماده، در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و جرائم قابل گذشت، مرجع قضائی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، فقط یک بار برای مدت حداکثر سه ماه موضوع را به شورا ارجاع نماید.

این قانون،^۱ لازم است دادستان‌ها و دیگر مقامات قضایی^۲ به ویژه مقام ارجاع پرونده به شرح زیر اقدام نمایند:

۱- در تمام جرایم قابل گذشت موضوع ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲،^۳ جرایم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶)^۴ و مواد، (۶۹۴)،^۵ (۶۹۲)،^۶ (۶۹۰)،^۷ (۶۸۵)،^۱ (۶۸۴)،^۲ (۶۸۲)،^۳ (۶۷۹)،^۴

تبصره - در اجرای این ماده، شوراها مکلفند برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کنند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی به طور مستند به مرجع قضائی ارجاع کننده اعلام نمایند.

^۱ مطابق ماده ۸، در موارد زیر شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند:

الف - کلیه امور مدنی و حقوقی

ب - کلیه جرائم قابل گذشت

پ - جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت

^۲ اصل بر غیر علنی و انفرادی بودن تحقیق از شاکی و متهم است، مگر در جرایم قابل گذشت که به آن‌ها در صورت امکان و با رعایت مقررات مواد ۸۲ الی ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت توافقی (مباحثه متهم و شاکی) رسیدگی می‌شود و بازپرس در این جرایم مکلف است سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید.

^۳ مطابق ماده مذکور، علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدّ قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در مواد ((۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۴۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد)، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده و سرتقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به شرطی که ارزش مال مورد سرتقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتکابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.

^۴ مطابق ماده، هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.

^۵ مطابق ماده، هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقفل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند.

^۶ مطابق ماده، هر گاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

^۷ مطابق ماده، هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زارعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود.

۶۷۷)، ۵، (۶۷۶)، ۶، (۶۶۹)، ۷، (۶۸۸)، ۸، (۶۴۸)، ۹، (۶۴۲)، ۱۰، (۶۳۳)، ۱۱، (۶۳۲)، ۱۲، (۶۲۲)، ۱۳، (۶۰۸)، ۱۴، (۶۹۷)، ۱۵، (۶۹۸)، ۱، (۶۹۹) و ۲، (۷۰۰) (از کتاب پنجم «تعزیرات») مانند توهین به افراد، تهدید و

دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.
^۱ مطابق ماده، هر کس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

^۲ مطابق ماده، هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن شود یا آسیب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.

^۳ مطابق ماده، هر کس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیر دولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر کشف کند به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

^۴ مطابق ماده، هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

^۵ مطابق ماده، هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس درجه شش محکوم خواهد شد (به موجب بند ۱ ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش کاهش یافته است). این در حالی است که مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده، تبدیل می‌شود.

^۶ مطابق ماده، هر کس سایر اشیاء منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.
^۷ مطابق ماده، هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دوماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

^۸ مطابق ماده، هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

^۹ مطابق ماده، اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

^{۱۰} به موجب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده نسخ شده است.

^{۱۱} مطابق ماده، توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، مجازات جزای نقدی درجه شش خواهد بود. (مجازات موضوع ماده مذکور به موجب بند ج ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به جزای نقدی درجه شش تبدیل شده است.)

^{۱۲} مطابق ماده، هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد. (مطابق بند ج ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات موضوع ماده ۶۹۷ قانون به جزای نقدی درجه شش تبدیل شد.)

^{۱۳} مطابق ماده، هر کس عالماً عمداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

^{۱۴} مطابق ماده، توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

^{۱۵} مطابق ماده، هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تصرف عدوانی و جرایم قابل گذشت موضوع دیگر قوانین، پرونده با لحاظ ترتیباتی جهت حفظ ادله جرم و رعایت حقوق شاکی، نظم عمومی و در صورت ضرورت انجام تحقیقات لازم، قبل از ثبت در دادسرا، دادگاه‌های عمومی بخش و یا محاکم کیفری دو، جهت میانجیگری و ایجاد صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارسال شود. در صورت حصول سازش، مراتب سازش طرفین و گذشت شاکی صورت مجلس شده و پرونده در شورا بایگانی می‌شود و در اینصورت دادسرا با تکلیفی مواجه نیست.

تبصره - چنانچه حل و فصل موضوع مستلزم انجام دستورات قضایی خاص از قبیل تحویل وسایل با رضایت طرفین و اعزام معتاد به کمپ باشد که مستلزم رسیدگی قضایی نیست، شورا پیشنهاد خود را به مرجع صالح اعلام می‌کند تا بدون ثبت پرونده دستور لازم را صادر کند.

۲- در جرایمی که دارای دو جنبه عمومی و خصوصی است، ضمن انجام تحقیق و رسیدگی به آن توسط مقامات قضایی، طرفین به شورای حل اختلاف ارشاد می‌شوند تا در صورت سازش پیرامون جنبه خصوصی، مطابق ماده ۲۴ قانون شوراهای حل اختلاف^۴ عمل شود و نتیجه به مرجع قضایی مربوط منعکس گردد.

۳- در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و دیگر دعاوی مدنی:

الف - با ترغیب متقاضی رسیدگی به سازش و نظر موافق وی، پرونده ابتدا در شورای حل اختلاف مطرح می‌شود تا در صورت حصول سازش، وفق مقررات اقدام شود.

^۱ مطابق ماده، هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء آکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

^۲ مطابق ماده، هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

^۳ مطابق ماده، هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.

^۴ مطابق ماده ۲۴، در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می‌شود، در غیر این صورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورتمجلس منعکس و مراتب به مرجع قضائی صالح اعلام می‌شود.

- ب - در صورت مراجعه به دادگاه^۱، مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن، با لحاظ ماده ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف^۱ و با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، پرونده را به شورای حل اختلاف ارجاع می‌کند.
- ۴- در اجرای ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۲، مقامات قضایی حداکثر اهتمام و توجه را برای بهره‌مندی از ظرفیت شورا در امر میانجیگری داشته باشند.
- ۵- شورای حل اختلاف مکلف است، جهت احقاق حق و با این هدف که مردم در کمترین زمان ممکن به حق خود برسند، با بهره‌گیری از مهارت‌ها و فنون صلح و سازش و میانجیگری نسبت به تکالیف مندرج در قانون شوراهای حل اختلاف و این بخشنامه عمل کنند.
- ۶- دادگستری‌های استان‌ها با استفاده بهینه و حداکثری از ظرفیت‌های موجود شوراهای حل اختلاف و با در صورت ضرورت با هماهنگی مرکز امور شوراهای حل اختلاف نسبت به ایجاد شعب ویژه صلح و سازش در معیت دادسراها و محاکم ضمن رعایت اولویت استفاده از افراد مُعَنون^۳، ریش سفیدان، معتمدان محلی و متفندان اجتماعی (با لحاظ شرط سنی حداقل ۴۰ سال سن) زمینه صلح و سازش پرونده‌های مطروح را اقدام نمایند.
- ۷- معاونت منابع انسانی قوه قضاییه مکلف است دوره‌های ویژه مهارت گفتگو و حل مسئله را با استفاده از اساتید معرب برای اعضای شوراهای برگزار نماید.

^۱ مطابق ماده ۱۰، دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

الف - اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب

ب - اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت

پ - دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی

ت - دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

ث - اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضائی غیر دادگستری می‌باشد.

^۲ مطابق ماده ۸۲، در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

تبصره - بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا نماید.

^۳ به معنای عنوان شده